



مسائل روز را با ابداعات فلسفی ملاصدرا به بحث بگذاریم/ سؤالات معنای زندگی را با حکمت متعالیه پاسخ دهیم

یک محقق و مدرس دانشگاه در دومین روز کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر با بیان اینکه ما می‌توانیم مسائل روز از جمله مباحث معنای زندگی را با ابداعات فلسفی ملاصدرا به بحث بگذاریم، گفت: سؤالات مطرح شده در مورد معنای زندگی را می‌توان از طریق حکمت متعالیه پاسخ داد.

یک محقق و مدرس دانشگاه در دومین روز کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر با بیان اینکه ما می‌توانیم مسائل روز از جمله مباحث معنای زندگی را با ابداعات فلسفی ملاصدرا به بحث بگذاریم، گفت: سؤالات مطرح شده در مورد معنای زندگی را می‌توان از طریق حکمت متعالیه پاسخ داد.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین روز دومین کنفرانس بین المللی فلسفه دین معاصر، روز گذشته 24 دیماه با حضور اساتید و کارشناسان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

حسین ثقفی، در ارائه مقاله خود با عنوان «معنای زندگی از نگاه ملاصدرا» گفت: ملاصدرا نه به طور اختصاصی به معنای زندگی پرداخته و نه معنای زندگی از مسائل او بوده است اما ما می‌توانیم براساس نگرش وی از میان آثارش پاسخ مناسبی برای این مسأله بیابیم.

وی با بیان اینکه از میان سه رویکرد در زمینه فلسفه اسلامی یعنی مشاء، اشراق و متعالیه، ما سومین مورد را که کامل‌ترین رویکرد است برگزیده ایم، افزود: در زمینه معنای زندگی سه رویکرد طبیعت‌گرا، ناطبیعت‌گرا و فرا طبیعت‌گرا وجود دارد، بدیهی است که رویکرد ما از نوع سوم خواهد بود.

ثقفی در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه ما می‌توانیم این مسائل را که در جوامع سکولار ظهور یافت با ابداعات فلسفی ملاصدرا به بحث بگذاریم، تصریح کرد: سؤالاتی از مسأله معنای زندگی مطرح شده که از طریق حکمت متعالیه می‌توان به آنها پاسخ داد.

وی بیان کرد: معنای زندگی به معنای هدف در نظر گرفته می‌شود نه ارزش و یا رویکرد که "متز" و دیگران معتقدند؛ زیرا هر هدفی هم وجودی است. معنای زندگی محدود به جنبه خاص یا دوران خاصی از حیات نمی‌شود. معنای زندگی مقوله بسیار گسترده‌ای است که تمام جوانب زندگی را در برمی‌گیرد همان‌گونه که از طریق حرکت جوهری براساس حکمت متعالیه متذکر می‌شویم.

ثقفی در پایان سخنانش اظهارداشت: براساس حرکت جوهری در حکمت متعالیه، هر انسان هدفمندی چهار مرحله را پشت سر خواهد گذاشت که در حکمت متعالیه به اسفار اربعه معروف است.

همچنین مرتضی معظمی در ارائه مقاله خود با عنوان "برهان معنابخشی ایده خدا" گفت: پرسش از معنای زندگی است غالباً در پی احساس پوچی و بی‌معنایی پیش می‌آید.

وی اظهار کرد: اساساً ویژگی بارز هر پرسش خردزاد بودن آن است یعنی پرسیدن تنها برای موجود خردمند رخ می‌دهد. پرسش از معنای زندگی نیز تنها برای موجودات دارای خرد امکان می‌یابد، هر چند ممکن است اموری جز خرد نیز در طرح آن دخیل باشند، بنابراین بهتر است که پاسخ این پرسش از روی خرد باشد و نه از روی اموری مانند احساسات و عواطف.

این پژوهشگر فلسفه غرب تصریح کرد: البته اهمیت زندگی و سوال از آن موضوعی است که هر انسانی ممکن است با آن روبرو شود بنابراین پاسخ‌های ارائه شده به این پرسش به علت گوناگونی سلايق و جهان‌بینی‌ها مختلف خواهد بود اما اگر رویکرد پاسخ به آن رویکردی عقلانی باشد، مقوله معنابخشی به زندگی دچار نسبیت، خودمحوری یا فردمحوری نخواهد شد چرا که در این برهان ایده خدا به عنوان شرط کافی معناداری و خردمندانگی زندگی اثبات می‌شود.

معظمی در ادامه سخنانش تصریح رد: مفهوم نیک و بد نزد انسانها یکی نیست و انسانها ارزش داوری میان نیک و بد را خردمندانه می‌دانند هرچند ممکن است در مصداق اختلاف یا تعارض داشته باشند اما ارزش داوری عادلانه میان نیک و بد را می‌ستایند، با این وصف در دنیا قدرت اجرای عدالت کامل و مطلق را ندارند.

وی تأکید کرد: از این رو اگر ساحتی وجود داشته باشد که کاستی‌های عدالت بشری را از میان بردارد زندگی انسان را معنادارتر و خردمندانه‌تر خواهد ساخت البته این برهان تلاشی است نه برای اثبات وجود خدا بلکه برای نشان‌دادن این امر که تصور وجود خدا زندگی انسانها را معنادارتر می‌کند.